

امکان ندارد بنوای بای یک کارگر سازنده می‌پوار بزرگی بین باغی!

استگاه‌های که فقط در دست می‌خواهد در ساختنشان شرکت باغی

تصویرگر: دیوید آنتراه

نویسنده: ژاکلین مورلی



مترجم: تبسم آتشین‌جان



# مغز

تو کشاورزی فقیر هستی که در حدود سال ۲۱۵ قبل از میلاد مسیح در چین زندگی می‌کنی. چیزهای زیادی هست که باید نگران‌شان باشی: آب و هوای بد، محصول ناپیز و مالیات‌های کلان. تازگی متوجه شده‌ای که اتفاق‌هایی دارد می‌افتد. چند سال قبل، چین به این شکل واحد وجود نداشت. این سرزمین بین ایالت‌هایی که مدام طی قرن‌ها با هم در جنگ بودند تقسیم شده بود. اما حالا یک فرمانروای پرقدرت از ایالت چین (Qin) حکومت را به دست گرفته‌است. او سراسر کشور را متحد کرده و نام خود را گذاشته‌است "چین شی‌هوانگ‌دی" که به معنای "نخستین امپراتور بزرگ چین" است. او بی‌رحم و ستمگر است. هیچ‌کس جرأت سرپیچی از فرمان او را ندارد و او هم اصلاً نگران این نیست که چندهزار نفر در راه اجرای فرمان‌هایش جان خود را از دست می‌دهند. تو یکی از آن هزاران کارگر بخت‌برگشته‌ای هستی که او آن‌ها را مأمور ساختن دیوار دفاعی بزرگی به طول ۱۸۰۰ مایل در مرز شمال چین کرده است. این دیوار که هنوز پابرجاست، دیوار بزرگ چین نام دارد.

